
ایرادی در کار است

لانو مالی

اثر اروه لوته لیه

ترجمه‌ی محمود سلطانیه، حامد فولادوند



نشر شفا

لو تلیه، اروه، ۱۹۵۶	سرشناسه
Le Tellier, Hervé, ۱۹۵۶ -	
انومالی، ایرادی در کار است/ نویسنده: اروه لوتلیه؛ ترجمه‌ی محمود سلطانیه، حامد فولادوند.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: شما: بهجت، ۱۴۰۰.	مشخصات نشر
3-42-6517-622-978 :	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
L'anomalie : roman, [2020]	پادداشت
ناهنجاری	عنوان دیگر
داستان‌های فرانسه -- قرن ۲۰م. / French fiction -- 20th century	موضوع
سلطانیه، محمود، ۱۳۲۶ - مترجم	شناسه افزوده
Fooladvand, Hamed / مترجم ۱۳۲۳ - فولادوند، حامد	شناسه افزوده
PQ۲۶۲۸	رده بندی کنگره
۸۴۳/۹۱۴	رده بندی دیویی
۸۴۵۶۹۶۷	شماره کتابشناسی ملی
فیبا	اطلاعات رکورد کتابشناسی



نشر شما

ایرادی در کار اشتیاق لاتینا

نویسنده: اروه لوتلهیه

ترجمه‌ی: دکتر محمود سلطانیه، دکتر حامد فولادوند

نشر شما با همکاری انتشارات بهجت



طرح روی جلد: محمد شوقی سرخوش

نقاشی روی جلد با عنوان "تکثیر ممنوع" اثر رنه ماگريت

صفحه‌آرا: پردیس بهجت

چاپ اول تابستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۱۷-۴۲-۳

حق چاپ محفوظ است



دفتر توزیع نشر شما: تهران، خیابان میرزای شیرازی، شماره ۱۶۲

تلفن: ۸۸۸۹۹۹۰۷ - ۸۶۰۵۲۳۷۸ - دورنگار ۸۸۹۵۷۱۷۶

نمایندگی فروش نشر شما: تهران، خیابان ولی‌عصر، دوراهی یوسف‌آباد، کتابفروشی بهجت، شماره ۱۹۷۸

تلفن: ۸۸۹۶۷۱۷۶ - دورنگار ۸۸۹۵۷۱۷۶



www.behjatbookshop.ir
www.behjatpublication.com



پیش‌گفتار

این بار به نظر می‌رسد که کار، کار انگلیس نیست...

حقایق تخیلاتی هستند که ما فراموش

کردیم تخیلاتی بیش نیستند

نیچه

ما لعبت‌کنیم و فلک لعبت‌ماز

از روی حقیقتی، نه از روی خطر

عمر خیام

بله، خواننده گرامی، همگی چنان غرق جهان نابسامان و مصیبت‌بار کنونی هستیم و چندان گیر حاشیه‌های ریز و درشت روزمرگی ملال‌آور خود شدیم که دیگر فرصتی برای خواندن و اندیشیدن، پرداختن به دل‌خویش یا درک مسائل دیگران پیدا نمی‌کنیم. بله، دستاوردهای علم و فن‌آوری و کهکشان اطلاعاتی مجازی طی دهه‌ی اخیر عظیم‌تر شده، اما آدمی هنوز آدم نشده _مولانا که بیخودی نمی‌گفت "انسان شدن چه مشکل!"_ و درست‌قادر نیست سرنوشت و آینده‌ی خویش را در اختیار خود بگیرد و آرمان "آبرانسان" فریدریش نیچه را تحقق بخشد. برای بیشتر مردم هزاره‌ی سوم، تهدیدهای جدیدی چون بحران اقلیمی و

بوم‌شناسی یا رواج بیماری‌های همه‌گیر ناشناخته که ناگهان حیات و آینده‌ی آدمی و نیز دار و ندار طبیعت و زیستگاه (آبی، گیاهی، حیوانی) بشر را به مخاطره می‌اندازد پیدا و سرازیر شدند. با فرود آمدن (بدون چتر) ویروس کرونا _ از چین یا ماروای چین _ روزگار ما "غریب‌تر" از پیش شده و شاد بودن و خندیدن _ حتی نیم‌خندی به سبک ژوکوندِ داوینچی _ را از یاد بردیم. سلطه‌ی بی‌رحمانه و تمامیت‌خواه چند قدرت جهانی بر کمره‌ی زمین برای تصاحب ثروت‌ها و امکانات و چپاول منابع موجود و حفظ برتری نظامی، هسته‌ای و تکنولوژی فوق پیشرفته‌ی خود به روند فلاکت و جهل "دوزخیان زمین" و جمعیت‌های عظیمی که از توسعه و رفاه دور مانده و از تمدن و انسانیت بشری رانده شده، تداوم می‌دهد _ نویسنده کتاب حاضر روایت و شخصیت‌های خود را آگاهانه در ژرفای آشفتگی و انحطاط جهانی امروزم قرار داده _ و می‌توان سرانگشتی به عوامل اصلی شکل‌گیری و بازتولید تشنج‌ها و از هم‌پاشیدگی دوره‌ای جامعه‌ی معاصر اشاره کرد: نابرابری، گرسنگی، ظلم و ستم، سرکوب آزادی‌های فردی و حقوق اجتماعی، جنگ‌افروزی، نا امنی و تروریسم، افزایش جدل و جدال فرهنگی - مذهبی و قومی، تشدید خشونت علیه زنان و کودکان، تداوم تبعیض نژادی و جنسیتی، عدم مدارا و رواداری دینی و عقیدتی و پراکنده‌شدن کینه‌توزی و توحش، معضل قاچاق مواد مخدر و انسان و طغیان مهاجرت و پناهندگی سازمان نیافته ...، گسترش روان‌پریشی، افسردگی، ازخود بیگانگی و نیست‌انگاری در میان افراد جوامع کنونی. آره، ما ساکنان زمین بیشتر تماشاچی شدیم ("ما لُبتکانیم و فلک لُبت باز") و این واقعیت دردناک و در تضاد با منزلت انسان را "عادی" می‌شماریم و وضعیت بسیار ناگوار و

"حال‌گیر" دنیای امروز می‌تواند به لحاظی، برداشتِ سعدی را تداعی کند:

چنان قحط‌سالی شد اندر دمشق که یاران فراموش کردند عشق

البته در اینجا، ما نمی‌خواهیم منفی‌بافی و سیاه‌نمایی کنیم ولی می‌توان همین رشد سریع دهه‌ی اخیر (در کالیفرنیا، اروپا و آسیا) "صنعت خوشبختی" و تکثیر قارچ گونه‌ی واعظان "مثبت‌بینی" - بینشی که بیشتر توسط افرادی میان‌مایه که خود را روان‌پزشک یا درمانگر معرفی می‌کنند اِشاعه می‌شود و این قشر فرصت‌طلب و کاسب‌کار می‌گویند بشر "محکوم به خوشبختی است." (!؟) - را نشانگر ترشعات بحران وسیع سرمایه‌داری جهانی دانست.

در چنین نابسامانی سراسری و بدون مرز - بیا باقالی بار کن! - برای مردم سرزمین (سابق) کل و بلبل، نه دل و دماغی مانده‌است، نه حال (برای با حال‌ها)، نه مال (برای مال باختگان)، نه بالی (پرستوها نیز مُفتش شدند) و به‌قول دوستی شیوخ مزاج نمکی‌ها هم بی‌نمک شدند. تردیدی نیست که همگی گرفتار دوران بدی شدیم که برای اهل ادب و فرهنگ شباهتی به عصر طاعون (اثرآلبر کامو) و عشق در زمان وِبا (کار گابریل گارسیا مارکز) دارد.

پس، اغلب خوانندگان هوشیار و بیدار زمانه و آن دوستان زنده دلی که از دیرباز با تند باد های متناوب سیاسی - اجتماعی ایران و منطقه آشنا هستند و از سعدی و حافظ، رندان شیرازی، آموخته‌اند که این جهان وفای چندانی ندارد، همه‌ی آنان با واقع بینان تیزبین همدلی خواهند کرد و با گفتار آرتور شوپنهاور که می‌گفت دنیا "نمایش نامه شومی بیش نیست" هم صدا می‌شوند یا مانند

فریدریش نیچه ی بت شکن، شطح "خدا مرده است" را بر زبان می آورند.

رمان "ایرادی در کار است (لانومالی)" که اینجا تقدیم می کنیم نیز بیانگر نگرانی و نومییدی که اکنون ذهن و دل مردمان "روستای جهانی" را کمابیش فراگرفته است و مؤلف توانا ابروه لوتلیه^۱، داستان نویس فرانسوی، با کاربرد نیروی تخیل خلاق^۲ (یونگ، باشلار، کُربن) خود و شیوه ها و شگردهای ادبی دیروز و امروز، سرگذشت یا "تلخ نامه" تعدادی از زندگی و رزان هزاره ی سوم را برای ما و آیندگان حکایت می کند (دمش گرم!) تا با تأمل کردن و پرسش از خود و دیگران بفهمیم چرا قابیل ها بر هابیل ها داثیم چیره می شوند؛ چرا "بیمارانی" چون ضحاک، نرون، استالین، هیتلر، اییدی امین دادا، صدام و ... تکمیل کردن فهرست سیاه ملعونان تاریخ را به همت خود خواننده واگذار می کنیم. بر ملت ها حکومت کردند و می کنند. چرا پیوسته حاکمان کوردل بر مردم ساده دل و "گوری" (خوزه ساراماگو) سواری می کنند و از داشتن "شهرت" کشورندار، چپاولگر و بیدادگر می بالند؛ چرا حماقت و خرفتی (Dummheit روبر موزیل) به رکاب بشر همچنان آویزان است؛ چرا "شیطان بزرگ" تقاضای بازنشستگی نکرده و همچنان به سلطه گیری های زمان تدوین "کمر بند سبز" (سال ۱۹۸۰) ادامه می دهد؛ چرا در برابر خطر ها و گردبادهای ویرانگر اخیر که کمره ی زمین را بیچاره کرده و ملت ها را در امواج اضطراب و پر خاشگری فرو برده، قدرت های بزرگ عبرت نمی گیرند و اقدامات لازم را انجام نمی دهند؛ چرا حاکمان و نیز حکومتچی های دنیای

1 Hervé Le Tellier

2 Imagination créatrice

معاصر (چه در واشینگتون، لندن یا مسکو و توکیو، چه در پاریس، مادرید، برلین یا قاهره، کابل، بیروت) ترجیح می‌دهند نسبت به واقعیت کور و کر بمانند _حافظ که بیخودی نمی‌گفت به خودش، به ما (و از ما بهتران!) که بهتره، تا پیرو خرافات نشدیم و دیر نشده از می‌کده بیرون بیایم!_ و مادام‌العمر در قدرت و ثروت غلط بزنند... و خُرجینی از سئوالات بجای و پرسش‌های انتقادی و خلافِ زمانه^۱ دیگر.

بله، اهل فرهنگ و انسانیت نمی‌تواند مانند سیاسیون چاخان و "خالی‌بند" امروز، به اوضاع بی‌تفاوت باشد _چون در این چهار دهه، کاربرد زبان شیرین رودکی و سعدی نامرسم‌شده و گفتار شفاهی و طنزآمیز هیولای مهران مدیری کم و بیش جاف‌تاده، گاهی قلم ما به آن متوسل می‌شود، ولی امیدواریم فضلا و زیان‌شناسان باحال (دَم‌شان گرم!) به این خُرده باجی که اینجا به شرایط و عوام‌زدگی موجود عطا می‌کردند خُرده نگیرند _ و در نتیجه، طی این پیش‌گفتار می‌کوشیم اشتیاق خواندن را میان علاقمندان ادب و اندیشه‌ی کشور بیشتر کنیم، هرچند که امروز معای و‌اژه‌های ادب یا اندیشه مسخ شدند و گرگ‌صفتان بازار بی‌صفتی، بی‌مروتی و تاریک‌اندیشی را پهن کردند.

حالا، خواننده را دعوت می‌کنیم با موضوع و مضامین رمان حاضر _ که در ضمن، برنده اخیر مهمترین جایزه ادبی فرانسه گنکور^۲ شده که از سال ۱۹۰۳ اهدا می‌شود _ اندکی آشنایی پیدا کند زیرا بر این باوریم که با داشتن پیش‌زمینه و اطلاعات کلی درباره‌ی این اثر جذاب و شگفت‌انگیز او شاید بتواند

1 Unzeitgemasse

2 Goncourt

بهتر جذب روایت شود و یاد داستان‌های پلیسی ادگار آلن پو^۱ و آثار علمی-تخیلی با چاشنی فلسفی بیفتد. ژیل دلوز^۲، نویسنده کتاب تفاوت و تکرار (۱۹۶۹) و متفکر پسامدرن فرانسه، می‌گفت که یک رساله فلسفی شباهتی با رمان پلیسی دارد و نگارش خودش نیز دارای بار علمی - تخیلی است. و "حال" بیشتری از متن ببرد، به‌خصوص که مؤلف هم بافت و "پازل" حساب شده‌ای و هم روند نامرسومی به نوشته خود داده تا خواننده را در "سفری به انتهای شب" (سلین) ببرد و او را در التهاب شیرین کشف راز و رمز این حکایت عجیب و غریب شریک کند و به موازات "لذت خواندن متن" (رلان بارت) نسبت به مسائل و حقایق امروز و فردا بیشتر آگاه شود. نخست، اشاره به داستان می‌کنیم و یادآور می‌شویم که "روایت"^۳ خواننده آن هر زمان حاضر اتفاق می‌افتند، یعنی طی سال ۲۰۲۱ میلادی، دوران شیوع کرونا، انتخابات اخیر ریاست جمهوری آمریکا، رفتن ترامپ و امثال یامدن: در اواخر ماه جون امسال، رویداد عجیبی رخ می‌دهد که موجب حیرت و سپس نگرانی روز افزون مدیران پروازهای هواپیمایی آمریکا، مسئولان امنیتی، نظامی و نیز دولتی "شیطان بزرگ" می‌شود و برای بررسی و درک آن "حادثه" سؤال برانگیز، "اتاق بحران" با ژیدگان علم و ریاضیات، اندیشمندان، و نیز جلسه‌ی مشورتی با متخصصان و علمای دین تشکیل می‌دهند. "قضیه" در ابتدا، بسیار بسیار محرمانه مهر می‌خورد. تنها سه تا از رؤسای جمهور (ترامپ، ماکرون و جین پینگ) جهان از آن مطلع‌اند. و مدتی درز نمی‌کند

1 E.A.Poe

2 G.Deleuze

3 Récit

ولی برای ورود به چیستان قصه چند داده کلی عرضه می‌کنیم: در روز ۲۶ ماه جون ۲۰۲۱، پرواز شماره ۰۰۶ خط هوایی افرانس پاریس - نیویورک، همراه با دویست و چهل و سه مسافر - که افرادی ظاهراً معمولی‌اند - پس از تحمل طوفان باران‌زا شدیدی می‌خواهد در فرودگاه جان کندی بنشینند، اما مدیریت هوایمایی ایالت متحده آمریکا همراه با مقامات امنیتی کشور به سر خلبان دستور می‌دهند که هوایمایش را در یک پایگاه نظامی آن حوالی به زمین بنشانند و تمامی مسافران و خدمه پرواز تحت نظر مأموران امنیتی قرار می‌گیرند. چرا؟

اگر مانند مدیریت هوایمایی به سه ماه پیش برگردیم، در تاریخ دهم ماه ۲۰۲۱، همین پرواز شماره ۰۰۶ خط هوایی افرانس پاریس - نیویورک، همراه با دویست و چهل و سه مسافر - که افرادی ظاهراً معمولی‌اند - پس از تحمل طوفان باران‌زا شدیدی در فرودگاه جان کندی نشستند. این که هوایمایی دو یا چندبار در فرودگاهی فرودآید اشکال و ایرادی ندارد، حتی اگر همان مسافران و خدمه همان پرواز باشد، اما اگر مقامات کشوری بر اساس گزارشات اولیه کارشناسان چنین دستوری صادر کردند - فرود اجباری و قرنطینه کردن مسافران و خدمه - این امر نشان می‌دهد که چیزی "ناجور" یا غریب و نامرسوم مشاهده شده، نوعی "آنومالی" و نا همخوانی در این رویداد مرموز ذهنیت متخصصان

۱ واژه‌ی آنومالی (Anomalie) ریشه‌ای یونانی و لاتین دارد (/ anomod anomalia) و به معنای نامرسوم و ناجور یا خلاف قاعده‌است. معادل‌ها و مفاهیم گوناگونی (ایراد و گیردار، جور در نمی‌آید، جفت و جور نمی‌شود، هم‌خوانی ندارد و غیره) در زبان فرانسه با خود می‌کشد و پس از مشورت عنوان "ایرادی در کار است" را برای کتاب برگزیدیم.

را مشغول و نگران کرده است. یا به زبان دیگر، چیزی در این قضیه می‌لنگد و "ایرادی در کار است"، و دانشمندان فیزیک و ریاضی برای درک و رمزگشایی "معمّا"، فرضیه‌های گوناگونی مطرح کردند _از بد حادثه، ایرانیان خبردار نشدند و گرنه راحت می‌گفتند کار، کار انگلیس است!_ که ما در اینجا افشا نمی‌کنیم و شناختن علل ظاهری و باطنی "روز واقعه" مذکور را به خود خواننده‌ی بیدار و هشیار رمان و نیز کاشفان کلید داستان واگذار می‌کنیم. آره، می‌گویند جوینده یا بنده است...

پس از نیم‌نگاهی که به موضوع دلهره‌آور رمان "ایرادی در کار است" انداختیم، به ترسیم نیم‌رخ اروه لوتیه می‌پردازیم، آفریننده داستانی که از صوبی، بیانگر دل‌شوریدگی و نیست‌انگاری^۱ و پوچی آغاز هزاره سوم است. بله، نویسنده از علاقمندان آلبر کامو و ایوان گونچاروف، خالق ابلوموف^۲ است _ و از سوی دیگر، دارای شکلی پلیسی - اجتماعی و پردازشی به سبک سینمای علمی - تخیلی: او نه تنها اهل ادب، شعر، رمان عاشقانه (برنده جایزه سال ۲۰۰۴)، زبان‌شناسی (دکتر دارد)، فلسفه (آلبر کامو، ژانکه لویچ، گونچاروف)، ریاضیات (دو فوق لیسانس دارد)، هوش مصنوعی و فن‌آوری‌های رایانه‌ای (از معرفت‌شناس سوئدی نیک باسترام^۳ تاثیر گرفته)، طنزنویسی تلخ (برنده جایزه سال ۲۰۱۳)، روزنامه‌نگاری، نقد آشنایی و سینما (در رمان حاضر مشهود است)، بلکه او از سال ۱۹۹۲ عضو اولیپو^۴ است، نهضت ادبی که در سال ۱۹۶۰ توسط

1 Nihilisme

2 Oblomov

3 Nick Bostrom

4 Oulipo (Ouvroir de Littérature Potentielle)

رمون کِنُو^۱ و فرانسوا لو لیونه^۲ بوجود آمد و نویسندگانی مانند ایتالو کالوینو^۳ و ژرژ پرک^۴ به آن پیوستند. فراموش نکنیم که اولیو خود را از ابتدا به عنوان لابوراتوار و آزمایشگاه "آفرینش ادبی بالقوه" معرفی کرد و مرزهای مصنوعی میان جهان ادبیات و هنر و دنیای علوم دقیقه را برداشت. کاری که مدت‌ها قبل پیشکسوتانی آینده‌نگر چون عمر خیام ریاضیدان - شاعر و لئوناردو داوینچی نقاش - مهندس انجام داده بودند و اهل ادب و شاعری و حکمت همراه با مریدان علم و دانش و خرد ورزی جمع شدند تا استدلال و تخیل خلاق و نیز واقعیت و فرا - واقعیت هم‌دیگر را تغذیه یا تکمیل کنند. پیشینه فرهنگی و ادبی - علمی درخشان و تجربه دیرینه او در اولیو موجب شد که در سال ۲۰۱۹، اروه لوتلیه - در آن زمان او داشت "ایرادی در کار است" را می‌نوشت - را به ریاست این نهضت ادبی برگزیده‌شود و هم‌اکنون اوست که گرداننده فعالیت‌های متنوع این "آزمایشگاه" است که پذیرای پیش‌تازان همه عرصه‌ها و خواهان جویندگان افق‌های تازه و آفرینشگران تمام عیار.

خواننده را بیش از این سرِ کار نمی‌گذاریم چون امروز ۲۶ ماه جون ۲۰۲۱ است و هواپیمای پسرواز شماره ۰۰۶ ایر فرانس پاریس - نویورک می‌خواهد در فرودگاه جان کندی بنشیند و ما بلاخره برگردان فارسی رمان "ایرادی در کار است" را به اتمام رساندیم. خسته شدیم ولی خیلی حال کردیم و امیدواریم که شما نیز آن را بخوانید و از داستان‌های تو در تو این "تلخ‌نامه" که بیشتر به

1 R.Queneau

2 F.Le Lionnais

3 Italo Calvino

4 Georges Perec

ایرادی در کار است

نیمه‌ی خالی لیوان زندگی معاصر ما پرداخته لذت و هوشیاری ببرید.
راستی خواننده، هوا گرم شده، بگو برای ما دو تا فالوده‌ی شیرازی
بیارند. دمت گرم.

دکتر محمود سلطانیه، دکتر حامد فولادوند

پنجم تیر ۱۴۰۰ / بیست و ششم جون ۲۰۲۱

www.ketab.ir